

Confederacion Nacional de Trabajo CNT/ و سندیکای عمومی (اتحاد) کارگران Union general de Tabazadores UGT/ (وابسته به سوسیال دموکرات‌ها) که قبلاً ممنوع شده بودند تلاش می‌کردند تا از این فرایند بیش‌ترین استفاده را نموده و هر چه بیش‌تر کارگران را به صفوف خود جلب نمایند. اما از طرف دیگر فعالان و رهبران رادیکال کارگران در تلاش بودند، تا به اشکال دیگری از سازمان‌یابی کارگران دست یابند. بدین ترتیب، این فرایند از یک‌طرف عامل رشد و گسترش این دو سندیکای سابق که در آن زمان نمایندگی سندیکالیزم دولتی را به عهده گرفته بودند، گشته و از طرف دیگر شکل جدیدی از سازمان‌یابی یعنی کمیسیون‌های کارگری Comisiones Obreras/ را به میدان کشید.

رژیم فرانکو و کارگران بعد از جنگ داخلی

با پایان جنگ داخلی در اسپانیا، طرفداران پادشاهی خواهان ادامه‌ی حکومت پادشاهی بودند، اما فالتزست‌ها^۱ طرفدار ایجاد حکومتی شبیه به حکومت‌های فاشیستی موسولینی در ایتالیا و هیتلر در آلمان بودند. در ۱۹۴۰ علی‌رغم تمام فشارها و تهدیدهای آلمان نازی، اسپانیا حاضر نشد تا همراه نیروهای آلمانی وارد جنگ شود و «بی‌طرفی» را در جنگ پیش گرفت. آلمان هم با استفاده از نفوذش در میان فالتزست‌های دوران جنگ داخلی و با تکیه بر ژنرال‌هایی چون یوگو علیه فرانکو دست به کودتا زد که با شکست روبه‌رو شد. به‌دنبال این حرکت کشورهای چون انگلیس، فرانسه و آمریکا دولت فرانکو را به رسمیت شناختند. فرانکو با تیزهوشی از تعادل نیروها در سطح جهانی استفاده کرده و با امضای قرارداد عدم مداخله‌ی متقابل با پرتغال، توانست بر اوضاع به‌شدت متشنج در اسپانیا تسلط یابد. او برای جلوگیری از اشغال اسپانیا از جانب آلمان هیتلری از تمام امکانات موجود استفاده نمود. این بی‌طرفی فقط تا زمانی طول کشید که شوروی از جانب نیروهای نازی مورد حمله قرار گرفت و اسپانیا با فرستادن داوطلبان به اوکراین در کنار هیتلر مسلماً وارد جنگ شد. در این هنگام درگیری‌های شدید گذشته بین فالتزست‌ها و طرفداران پادشاهی سبب شده بود که میلیشیای فالتز و طرفداران پادشاهی در دو صف متحد

دوره‌ی شکست کامل فاشیزم هیتلری، کارگران نتوانند در سازمان دادن اعتراض‌های خویش پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته باشند.

اولین اعتصابی که رژیم فرانکو را تکان داد، پس از شکست فاشیزم هیتلری بود. پیشرفت‌های جدی در اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری در کشورهای مختلفی اتفاق افتاد. اعتصاب عمومی کارگران ایالت باسک در اول ماه مه ۱۹۴۷ که حدوداً ۷۵ درصد کارگران این منطقه در آن شرکت کردند، یکی از این اعتصاب‌ها بود. اکثر نمایندگان این اعتصاب را، نه نمایندگان سندیکاهای وابسته به فرانکو، بلکه نمایندگان مستقل تشکیل می‌دادند. اساسی‌ترین خواست این اعتصاب عمومی، افزایش دستمزد کارگران بود. با آغاز ۱۹۵۰ و سال‌هایی که به‌دنبال داشت، کارگران اسپانیا دست به یک سلسله اعتصاب‌های تعیین‌کننده زدند. ۱۷ ماه می ۱۹۵۱، ۲۰۰ هزار کارگر در بارسلونا به مدت ۱۲ روز برای اعتراض به گرانی دست به اعتصاب و عدم استفاده از وسایل حمل و نقل زدند. دولت در پایان دوازدهمین روز مجبور شد عقب‌نشینی کرده و افزایش قیمت‌ها را پس بگیرد. در همان سال در منطقه باسک ۲۰۰ هزار کارگر اعتصاب کردند. برای حمایت از این اعتصاب در مادرید استفاده از وسایل نقلیه و سالن‌های غذاخوری تحریم شد. و بالاخره با آغاز اعتصاب کارگران در پامپلنا/Pamplena در ۱۹۵۵ و گسترش آن در سراسر شرق اسپانیا دوره‌ی جدیدی از شکل‌گیری و سازمان‌یابی کارگران آغاز شد. در این دوره، طبقه‌ی کارگر برای تداوم مقابله با فاشیزم به ایجاد کمیته‌های دفاعی از جمله کمیته‌های اعتصاب، کمیته‌های قراردادهای دسته‌جمعی و نظایر آن اقدام نمود. کارگران، آغاز دهه‌ی ۶۰ را همزمان با تحولات عظیم اجتماعی جشن گرفتند. برای کارگران اسپانیا این دهه، شاید به‌عنوان یکی از دهه‌های به‌یاد ماندنی و پُر خاطره در تاریخ زندگی ثبت شده و باقی خواهد ماند. باشد که فرزندان‌شان بتوانند بر پدران‌شان افتخار کنند.

در هر حال، گسترش مبارزه‌ی کارگران در سال‌های ۶۰ و افزایش تجربیات و آموخته‌های کارگران از مبارزات دهه‌ی قبل، آنان را به سوی آزادان دادن سر و ایجاب سکابیزم‌های جدید مبارزاتی سوق داد. با گسترش مبارزات کارگران و تلاش آنان برای سازمان‌دهی خود به اشکال جدید، سندیکاهای کنفدراسیون ملی کارگران

کمیسیون‌های

کارگری

در

اسپانیا

منصور سلطانی

با پایان جنگ داخلی در اسپانیا و با آغاز ۱۹۳۸ رژیم فرانکو برای کنترل جامعه به تمام ابزارهای ممکن متوسل شد. ممنوعیت تمام سازمان‌های کارگری و سرکوب هر گونه مقاومت در اسپانیا نمودهای اولیه از به‌قدرت رسیدن فرانکو بود. قدم بعدی سازمان دادن جامعه به شکلی بود که بتواند حاکمیت فرانکو را برای سال‌های طولانی تضمین کند. اصلاح و یا تصویب قانون جدید کار، به‌منظور مقابله با اعتراضات کارگری از جمله ممنوعیت بستن قراردادهای دسته‌جمعی بود و به‌جای آن حق تعیین حداقل دستمزد به دولت واگذار شد. این قانون به معنی تعطیلی هر گونه سازمان کارگری نظیر سندیکاهای و محو حقوق سندیکایی بود. فرانکو برای جلوگیری از هر گونه اعتراض کارگران برای به‌دست آوردن لقمه‌ای نان، از یک طرف اقدام به انحلال هر گونه سازمان کارگری معترض نموده و از طرف دیگر ایجاد سندیکاهای دولتی با هدفی کنترل و سرکوب اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری را در دستور کار قرار داد. شرایط اجتماعی و سیاسی دهه‌ی ۶۰، جنگ داخلی، همدلی تمام جناح‌های قدرت حاکم در جلوگیری از «اغتشاشات» علی‌رغم درگیری‌هایی که با هم داشتند، سبب گردید تا



فرانکو

خفه کردن کارگران به دست خودشان بود. اما این طرح آن طور که رژیم فرانکو محاسبه کرده بود پیش نرفت و اسلحه‌ی نمایندگی محل کار، علیه رژیم به کار افتاد.

طبقه‌ی کارگر اسپانیا با به رسمیت‌شناسی (هر چند محدود) قرارداد دسته‌جمعی کار، به جای این که زیر بار سندیکاها و وابسته برود، مکانیزم‌های مختص به این طبقه را به کار انداخت و برای پیشبرد خواسته‌هایشان، شکل‌های مناسب با آن را نیز به وجود آورد.

این شکل‌ها با پایه قرار دادن محل کار به عنوان هسته‌ی اصلی این حرکت، ابتدا برای پیشبرد اعتصاب، قرارداد دسته‌جمعی و اعتراض‌ها به صورت کمیته‌های واحدهای جدا از هم (محل کار) به شکل کمیته‌های اعتصاب، اعتراض و قراردادهای دسته‌جمعی شکل گرفتند. اما به نسبتی که مبارزات حالت‌های جدی‌تر و وسیع‌تری به خود می‌گرفت، با خود آشکال جدیدی از سازمان‌یابی را برای پیشبرد مبارزات کارگران در دستور کار قرار می‌داد.

کارگران برای پیشبرد هر چه مؤثرتر مبارزات‌شان مجبور بودند به جای کمیته‌های تک واحدی، به ایجاد تشکل‌های متداوم‌تر و عمومی‌تری فکر کرده و برای ایجادش تلاش کنند. این جاست که کارگران برای تأثیرگذاری و تکیه بر نقش خویش در مبارزات به جای سندیکاها و فاشیستی و سندیکالیزم متداول اقدام به ایجاد شکل جدیدی از سازمان‌یابی نمودند که بعداً کمیسیون‌های کارگری Comisiones Obreras - CC.OO/ نامیده شدند.

ایجاد کمیته‌های مختلف در محل کار از جانب کارگران برای دفاع از حقوق‌شان از جانب کنفدراسیون ملی کارگران CNT/ سندیکای عمومی (اتحاد) کارگران UGT/ و OSO/ (مخالفت سندیکالیستی کارگران) که تحت تأثیر حزب کمونیست اسپانیا PCE/ بود، جدی گرفته نمی‌شد. این جریان‌ات سندیکالیستی که کمیته‌ها را اساساً در تضاد با منافع سندیکالیستی خود دیده، و به همین سبب به فعالیت‌های این کمیته‌ها اهمیت نمی‌دادند. لذا در این دوره سندیکالیزم سستی از زندگی مبارزاتی کارگران به حاشیه رانده می‌شود.

کمیسیون‌های کارگری

در ۱۹۶۲ کارگران ذوب آهن در جریان بستن قراردادهای دسته‌جمعی، خواهان

گردند. فرانکو به عنوان تنها اشرناتیو و راه‌حل برای برقراری تعادل در جامعه توانست به درگیری‌ها پایان داده و اوضاع را آرام نماید.

در ۱۹۵۴ رژیم فرانکو با همیاری سرمایه‌داری بین‌المللی یک برنامه‌ی اقتصادی را برای تثبیت موقعیت سرمایه‌داری در اسپانیا به مورد اجرا گذاشت. این برنامه‌ی پیشنهادی اساساً به افزایش قیمت مواد مصرفی مردم منجر می‌شد. کارگران که در سال‌های حاکمیت رژیم فرانکو عملاً قدرت‌شان به شدت تقلیل یافته بود، با این برنامه به یک‌باره با فقر مطلق رودرو شدند.

پس از آغاز اعتصاب کارگران در پامپلونا در ۱۹۵۵ که در ابتدا با خواست‌های اقتصادی شروع شده بود، در مدت زمان بسیار کوتاهی، قانون کار فرانکو را غیرقابل اجرا نموده و رژیم فرانکو را مجبور به عقب‌نشینی نمود. رژیم فرانکو چاره‌ای جز عقب‌نشینی در برابر خواست کارگران نداشت. در ۱۹۵۶ مزد کارگران ۲۷ درصد افزایش داده شد. با این عقب‌نشینی، اعتماد به نفس کارگران بالا رفته و توقعات کارگران و مزدبگیران روزه‌روز بیشتر شد. رژیم فرانکو برای جلوگیری از هر چه بیشتر رادیکالیزه شدن مبارزات طبقه‌ی کارگر، با تغییراتی در قانون کار تلاش کرد تا این مبارزات را در یک چهارچوب قانونی کنترل نماید.

طبق قوانین جدید، کارگران می‌توانستند (توسط سندیکاها و فاشیست وابسته به رژیم) در هر واحد محل کار با دولت وارد مذاکره شده و قراردادهای دسته‌جمعی مختص آن محل کار را امضا کنند. توافق‌های به دست آمده مربوط به همان محل کار محسوب شده و نمی‌توانست عمومیت داشته باشد. بدین‌گونه رژیم تصور می‌کرد که از اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها جمعی کارگران پیش‌گیری به عمل خواهد آمد. برای ایجاد یک شبکه‌ی وابسته به خود در میان کارگران پیشنهاد می‌شد که در محل کار نمایندگی کارگران ایجاد شده و این نمایندگان به‌طور مستقیم با دولت طرف حساب باشند. اصلی‌ترین اندیشه‌ی پشت این طرح، ایجاد شبکه‌ی جاسوسی از میان خود کارگران برای حمایت از برنامه‌های دولت در میان کارگران بود. این طرح می‌توانست قبل از آغاز هرگونه اعتصاب و یا اعتراضی مانع بروز آن گردیده و رژیم را از خطرات اعتصاب‌های عمومی رها سازد. به‌طور خلاصه، نقشه برای

افزایش دستمزدهای‌شان شدند. به دنبال طرح این خواست از جانب کارگران ذوب آهن همان خواست از جانب کارگران معادن نیز مطرح گردید. همزمان با مذاکره‌ی کارگران معادن به خاطر بستن قراردادهای دسته‌جمعی در حالی که کارگران خواهان افزایش دستمزد بودند، سندیکاها و دولتی برای افزایش کیفیت تولید، هم‌سو با دولت، از کارگران می‌خواستند تا بیشتر کار کنند. این عمل سندیکاها و دولتی، کارگران را برای یافتن راه‌حل‌های خارج از این ارگان‌ها مصمم‌تر نمود. هم‌چنین خواست اصلاح شرایط کار و افزایش دستمزدها از جانب کارگران، از طرف صاحبان صنایع رد شده و غیرقابل قبول اعلام گردید.

و بالاخره در همان سال یک‌بار دیگر برای مقابله با رشد جنبش کارگری و اعتصاب و اعتراض‌های جاری، افزایش دستمزدها و قراردادهای دسته‌جمعی ممنوع اعلام گردید.

اولین عکس‌العمل از جانب کارگران معادن آستوریاس Asturias/ در مخالفت با آیین‌نامه‌های جدید صورت گرفت. ۷ نفر از رهبران اعتصابی در ماه آوریل ۱۹۶۲ از کار اخراج شدند. کارگران معادن برای بازگرداندن نمایندگان‌شان و مخالفت با این عمل دولت، دست به اعتصاب زدند. در عرض چند روز تعداد کسانی که به این اعتصاب پیوستند به ۶۰ هزار نفر بالغ گردید. اما برای همبستگی با این

اعتصاب در دو ماه بعدی یک اعتصاب عمومی در سراسر اسپانیا به عمل آمد که تعداد ۶۰۰ هزار (در بعضی از اسناد این رقم ۴۰۰ هزار نوشته شده) کارگر در آن شرکت کردند.

امواج مبارزات کارگران روزبه روز چنان سهمگین می شد که دیگر اعلام حکومت نظامی، حمله ارتش، پلیس و بالاخره عوامل فالانژیست ها نتوانست در پیشرفت مبارزات کارگران خللی وارد کند. مبارزات کارگران در نهایت رژیم فرانکو را مجبور به تسلیم نموده و طو بستن قراردادهای دسته جمعی جدید، افزایش ۲۵ درصدی دستمزدها و اصلاح نسبی شرایط کار کارگران از جانب رژیم فرانکو پذیرفته شد.

در این میان برای مقابله با کارشکنی های سندیکاهای دولتی و ادامه ی مبارزات شان کارگران مجبور به ایجاد تشکل های خود می شدند. کارگران معادن آستوریاس برای پیشبرد مبارزات شان نمایندگان خود را مستقل از سندیکاهای دولتی انتخاب می کردند. تشکل هایی که در نتیجه ی این تلاش ها به وجود می آمدند. کمیسیون های کارگری نامیده می شدند. در ۱۹۶۲ در بیش از ۵۰ معدن آستوریاس کمیسیون هایی از این دست سازمان یافتند.

وظایف اصلی این کمیسیون ها عبارت بود از:

۱. چگونگی دفاع از خواست های کارگران؛
۲. سازمان دادن کارگران در مبارزاتی که برای به دست آوردن این خواست ها پیش برده می شد؛
۳. تعیین نوع و شیوه ی پیشبرد این مبارزات در مجامع عمومی کارگران؛
۴. صدور اطلاعیه هایی در فاصله ی بین مجامع عمومی خطاب به کارگران برای آگاهی از چگونگی کارهایی که در پیش داشتند؛
۵. جمع آوری کمک های مالی از کارخانه های مختلف برای کارگرانی که طی این مبارزات اخراج می شدند.

تشکیل این کمیسیون ها از ۱۹۶۲ به بعد در دیگر مناطق اسپانیا نیز در کارخانه های مختلف تبدیل به «نرم» شد. در ۱۹۶۳ کمیسیون های کارگری سازمان یافته در ایالت باسک اقدام به ایجاد یک «کمیسیون مرکزی» نمودند. وظیفه ی این کمیسیون، سازمان دادن مبارزات کارگران در ایالت باسک بود. در مادرید کمیسیون های کارگری در ۱۱۵ شرکت بزرگ و ۵۵۹۰ شرکت کوچک سازمان یافته بود، که مجموعاً بیش از

گسترش مبارزه ی کارگران در سال های ۶۰ و

افزایش آموخته های کارگران آنان را

به سوی سازمان دادن خود و ایجاد مکانیزم های جدید مبارزاتی سوق داد

۱۱۵ هزار کارگر را در تشکیلات خود سازمان داده بودند. در ۱۹۶۶ کمیسیون های کارگران در مادرید طی اعلام یک برنامه ی مشترک خود را تنها نمایندگان «مستقل، دموکراتیک و متحد با جنبش کارگری» اعلام نمودند. هم چنین در ۱۹۶۵ در آستویس نیز «کمیسیون مرکزی» سازمان داده شد، این کمیسیون تصمیم گرفت برای آگاهی درست و به موقع رساندن به کارگران از یک کانال صحیح اقدام به انتشار یک نشریه ی ماهانه ی کارگری نماید.

در آغاز ۱۹۶۶، رژیم در برابر شدت مبارزات توده ی کارگران دوام نیاورده و مجبور به اصلاحاتی در قوانین به نفع کارگران شد. اما تلاش نمود با به پیش راندن انتخابات جدید سندیکایی، بتواند کمیسیون های کارگری را در داخل سندیکاها حل نماید. اما کارگران در این انتخابات با «لیست های آزاد» شرکت نمودند. با این انتخابات از ۲۰۰ هزار نماینده ی کارگران که توسط بیش از ۶ میلیون کارگر انتخاب شده بودند، ۲۲/۵ درصد از مستخین از سندیکالیست های سابق انتخاب شدند. اما بقیه اساساً از لیست های کمیسیون های کارگری انتخاب شدند، شرکت در انتخابات هم غیر قابل تصور برای رژیم فرانکو بود. تا آن تاریخ همواره کم تر از ۳۰ درصد از کارگران در انتخابات سندیکاها شرکت می کردند. در صورتی که در این انتخابات درصد شرکت کنندگان ۸۳/۳۵ بود.

به نسبتی که مبارزات کارگران متشکل تر می شد، فشارهای دولت برای به زانو در آوردن کارگران افزایش پیدا می کرد. روز بعد از انتخابات، از جانب رژیم آزار و اخراج نمایندگان کارگران در شرکت های مختلف شروع شد. هدف این فشارها از هم پاشیدن مجدد تشکل های کارگری غیردولتی بود. برای مقابله با این فشارها و پیشبرد بهتر و مرکزی تر

مبارزات کارگران در ۱۹۶۷، با کوشش نمایندگان صنایع کلیدی و بزرگ در اسپانیا برای اولین بار نشست سراسری «کمیسیون های کارگری» برگزار گردید. هدف اصلی این نشست ایجاد سازمان سراسری کارگران در اسپانیا بود. به دنبال اولین نشست، با سازمان دادن نشست های پی در پی، به کار ایجاد سازمان سراسری سرعت داده شد. و بالاخره با ایجاد این سازمان دهی سراسری به پراکندگی طبقه ی کارگر در اسپانیا که با جنگ داخلی بدان دامن زده شده بود، نقطه ی پایانی گذاشته شد. برای اولین بار پس از جنگ داخلی در اسپانیا کارگران احساس قدرت می کردند زیرا توانسته بودند نه تنها رژیم فرانکو بلکه سندیکالیزم دولتی را نیز بدین وسیله به زانو در بیاورند.

جنبش کمیسیون های کارگری از چه محتوایی برخوردار بود؟

کارگران نیروی اصلی و قدرت واقعی در کمیسیون های کارگری بودند. گرایش های مختلف درون طبقه ی کارگر به نسبت فرمان خود در این کمیسیون ها به سازمان دهی کارگران مشغول بودند. اما آنچه که مسلم بود، تصمیمات در مجامع عمومی کارگران در کارخانه ها گرفته می شد. به جای صندوق های سستی اعتصاب، صندوق های همبستگی در مناطق مختلف سازمان داده شد. پرداخت اجباری حق عضویت لغو گردید. از نظر کمیسیون های کارگری، پرداخت منظم حق عضویت به تشکل های کارگری و صندوق های اعتصاب، عامل ایجاد یک بوروکراسی گردیده و انسداد کارگران را خدشه دار می کرد. کمیسیون ها به موضوع تشکل های صنفی و سیاسی کارگران نیز پاسخ داده و خود را نه ارگان های صرفاً صنفی، بلکه ارگان مبارزه علیه رژیم فرانکو تعریف کرده و اعلام نمودند که برای ایجاد سوسیالیسم، نهادهای اصلی قدرت، پس از سرنگونی رژیم فرانکو، هستند. از ۱۹۶۷ به بعد دیگر عملاً کمیسیون های کارگری، مرکز و هسته ی اصلی هرگونه مخالفت اجتماعی را تشکیل می دادند. قشرهای دیگر جامعه نیز به تبعیت از کمیسیون های کارگری اقدام به ایجاد کمیسیون های خود نمودند. کمیسیون های کارگران کشاورزی، دانش آموزان، زنان، محله و همسایه ها در سراسر اسپانیا در هر کجای و برزن سر بر آوردند. و بالاخره این جنبش تبدیل

به یک جنبش اجتماعی شد که مبارزه علیه رژیم فرانکو را برای رهایی از هرگونه فداکت در صدر برنامه‌ی خود قرار داده بود.

کمیسیون‌ها رفته رفته در هر معضل اجتماعی موجودیت خود را به کرسی نشانده و با رژیم فرانکو در می‌افتادند. با نزدیک شدن به دهه‌ی ۷۰، کمیسیون‌ها برنامه‌های متنوعی برای دفاع از زندانیان سیاسی ترتیب داده، علیه اعدام و شکنجه مبارزه می‌کردند. برای همبستگی با خواسته‌های دهقانان و دانش‌آموزان دست به اعتصاب می‌زدند. و بالاخره در هر عرصه‌ای اگر برای کسب حقی مبارزه‌ای صورت می‌گرفت کمیسیون‌های کارگری را در کنار خود می‌یافتند.

اعلام حکومت نظامی در ۱۹۶۹ نیز نتوانست رژیم فرانکو را از مبارزات کارگران نجات دهد. با توجه به فشارهای موجود و برای پیش‌گیری از گسترش دامنه‌ی اعتراض‌ها، حکومت نظامی قبل از موعد پیش‌بینی شده پایان یافت. بدین‌سان رژیم فرانکو به یک عقب‌نشینی بزرگ در مقابل مبارزات کارگران تن در داد.

کنگره‌ی مادرید اولین کنگره‌ی سراسری کمیسیون‌های کارگری

در ماه ژوئن ۱۹۶۷ اولین کنگره‌ی سراسری توانست موجودیت و کارکرد کمیسیون‌های کارگری را به‌عنوان یک نیروی غیرقابل چشم‌پوشی در اسپانیا تثبیت نماید. آ خطوط عمده‌ای که در این کنفرانس به تصویب رسیدند، به قرار زیر است:

۱. کمیسیون‌های کارگری تشکیلات نیستند، برعکس نیروی سازمان‌دهی می‌باشند. این یک جنبش علنی است. کمیسیون‌ها شکل‌های موجود سندیکالیستی را به رسمیت نمی‌شناسند. هدفشان مبارزه برای منافع طبقاتی، متحد نمودن و به‌دست آوردن آزادی‌های حقوق سندیکالیستی تمام کارگران است.

۲. کمیسیون‌های کارگری اتحاد گروه‌ها و یا نیروهای خاصی نبوده، برعکس سازمانده کارگران از سیاست و دیدگاه‌های متفاوت می‌باشند.

۳. کمیسیون‌های کارگری مستقل از احزاب سیاسی، سندیکاها و سازمان‌های مذهبی می‌باشند. حرکت‌هایش را با اتکا به تصمیم متحدانه تمام کارگران عملی می‌کند. بنابراین

کمیسیون‌های کارگری

مرکز

و هسته‌ی اصلی

هرگونه مخالفت اجتماعی را

تشکیل می‌دادند

قشرهای دیگر جامعه نیز

به تبعیت از کمیسیون‌های کارگری

اقدام به ایجاد کمیسیون‌های خود نمودند

نماینده‌ی آرا و خواسته‌های کلیه‌ی کارگران اسپانیا می‌باشند. اما این باعث عدم همکاری کمیسیون‌های کارگری با بعضی دیگر از نیروهای اپوزیسیون و گروه‌ها در شرایط ویژه‌ای با شرط حفظ استقلال نمی‌گردد.

۴. شکل کار در کمیسیون‌های کارگری دموکراتیک می‌باشد. تضمین آن هم مجامع عمومی کارگران است.

۵. کمیسیون‌های کارگری مخفی نبوده، برعکس علنی فعالیت می‌کنند. بر علیه تمام تلاش‌هایی که می‌خواهد آن‌ها را به شرایط مخفی براند، مبارزه می‌کنند.

۶. خواسته‌های اساسی کمیسیون‌های کارگری در جهت خواسته‌های سیاسی و اجتماعی کارگران است. موضع خود را در قبال تمام مسایل سیاسی که به کارگران و منافع آن‌ها مربوط می‌شود علناً اعلام می‌دارند.

خواست‌های حداقل و فوری کارگران هم به‌قرار زیر اعلام گردیدند:

- آزادی‌های سندیکالیستی؛

- آزادی ایجاد انجمن، جلسه، آزادی

اندیشه و آزادی تظاهرات؛

- حق اعتصاب؛

- اصلاحات ارضی به شرط واگذاری زمین

به کسی که روی آن کار می‌کند.

- حداقل دستمزد برای یک خانواده با دو

فرزند ۲۰۰ پزوتا (واحد پول اسپانیا)؛

- رفع موانع استخدامی از افراد بالای ۳۵

سال؛

- حقوق بی‌کاری بدون توجه به تفاوت

اقليمی و منطقه‌ای برابر با ۷۵ درصد حقوق

کارگران؛

- بدون توجه به جنسیت افراد، برای کار

برابر مزد برابر پرداخت گردد؛

- با ایجاد شرایط کار مناسب، ساعت کار

هفتگی باید ۲۴ ساعت گردد؛

- تعطیلات سالانه باید چهار هفته با

پرداخت مزد کامل عملی گردد؛

- حق ایجاد سندیکا به کارمندان برگردانده

شود؛

- کسانی که تلاش برای منافع کارگران

می‌کنند، باید آزاد شده و به‌کارشان برگردند؛

- آموزش رایگان برای تمام بچه‌ها تا ۱۶

سالگی؛



پرونده‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تال جامع علوم انسانی

- دادن خانه‌های مناسب به کارگران، کرایه‌ها نباید بیش‌تر از ده درصد مزد کارگران باشد و بالاخره مصادره تمام خانه‌های خالی؛
- در موارد حوادث کار، مرزها باید صددرصد پرداخت گردد؛

در تدابیر برای جلوگیری از حوادث کار، باید کارگران کنترل داشته و از جانب آن‌ها سازمان داده شده و کنترل گردد؛
- کارگران مریض باید به‌طور دائمی تحت کنترل پزشکی قرار بگیرند؛

- حداقل مزد کهولت سنی و یا بازنشستگی نباید کم‌تر از ۷۵ درصد مزد باشد؛
- صندوق‌های امنیت و بیمه‌های اجتماعی باید از جانب کارگران به‌شکل مناسبی کنترل گردند؛

کمیسیون‌های کارگری برای توضیح آمار و اهداف خود به کارگران تصمیم گرفتند از تمام امکانات علمی استفاده نمایند و ...

بالاخره کنگره در پایان فراخوانی خطاب به جنبش مخالف فرانکو داده و آن‌ها را برای به‌دست آوردن حقوق و آزادی‌های اجتماعی به اتحاد دعوت نموده و با جمله‌ی زنده باد اتحاد تمام کارگران پایان یافت.

اعتصاب عمومی به‌عنوان اصلی‌ترین سلاح در این سال‌ها برای از میدان به در کردن و یا به عقب‌نشینی واداشتن رژیم فرانکو در میان کارگران به‌وسیله‌ی کمیسیون‌ها از جوانب مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. و این تلاش در ۱۹۷۱ با آغاز اعتصاب عمومی در زادگاه فرانکو ال فررول/ El Ferrol و ویگو/ Vigo شهری خود را داد. در ادامه‌ی این اعتصاب علی‌رغم بسیج ارتش و پلیس فرانکو و کشته شدن دو تن از کارگران در درگیری‌ها، اعتصاب چنان همه‌گیر شد که حتی هیچ مغازه‌دار جزئی هم حاضر نمی‌شد در برابر تهدیدهای ارتش و پلیس فرانکو در دکانش را باز کند. شرکت صدها هزار کارگر در این اعتصاب‌ها و هم‌صدایی تمام بخش‌های صنعتی، رژیم را در بستن قراردادهای دسته‌جمعی چنان به عقب‌نشینی وادار کرد که برای رهایی از اعتصاب حاضر شدند ۱۵ برابر افزایش دستمزدی که قبلاً نماینده‌ی دولت و صاحبان صنایع در قراردادهای جدید گنجانده بودند را به کارگران پرداخت کنند.

پایان دیکتاتوری فرانکو

تعداد ساعات کاری که در ۱۹۶۶ با

اعتصاب سپری شد معادل ۱/۵ میلیون ساعت بود. این مدت در ۱۹۷۰ به ۸/۷ میلیون ساعت بالغ گشت. و در ۱۹۷۵ با ۱۴/۵ میلیون ساعت. بین سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳، ۵۰۰ رهبر کارگری این پنج‌سال را در زندان‌ها به‌سر بردند، ۲۴/۸۱۷ کارگر به‌زور وادار شدند تا مرخصی بدون حقوق بگیرند. ۴۲۷۸ کارگر به‌دلایل سیاسی از کار اخراج گردیدند. در همین دوره رهبران کارگری به‌زور و به‌طور جمعی به سربازی فرستاده شدند. ۲۰۰۰ نفر از رهبران کارگری جزو بی‌کارشدگان بودند. در همین دوره ۳ بار از جانب رژیم فرانکو حکومت نظامی اعلام شد.

اعدام ۵ تن از مخالفین وابسته به سازمان‌های ضدفاشیست در ۱۹۷۵، عامل اعتراض‌های اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی شد. مرگ فرانکو در ۲۰ نوامبر همان سال دوره‌ی دیگری را در مسیر مبارزات کارگران گشود. خواست عفو عمومی، حق ایجاد سندیکاها، مستقل، حق اعتصاب، افزایش دستمزدها و مسامحت از اعمال فاشیستی از جمله خواست‌های این اعتصاب‌ها بودند. در ۱۹۷۶ تعداد ساعات اعتصاب از ۱۴/۵ میلیون ساعت در ۱۹۷۵ به ۱۵۶ میلیون ساعت رسید. بالاخره سیستم حکومتی اسپانیا با یک فراتدوم، آغاز دوره‌ی پارلمانتاریستی به‌جای سیستم فاشیستی را با قبول بخشی از خواست‌های کارگران جشن گرفت.

احزاب و کمیسیون‌های کارگری

از ۱۹۷۵ به بعد علی‌رغم افزایش چشم‌گیر در مبارزات کارگران، اتحاد کمیسیون‌های کارگری رو به ضعف نهاد. علت اصلی این ضعف، نه در فشارهای وارده از جانب رژیم فرانکو، بلکه در کشاکش احزاب و سازمان‌های مختلف برای به‌کرسی نشاندن آرای بعضاً به غایت عقب‌مانده، به این تشکل‌ها از یک طرف، و عدم توانایی سیاسی در تبدیل این ارگان به یک شکل تعریف شده و وجود کشاکش طرفداران سازمان‌های کلاسیک نظیر سندیکاها و طرفداران جریان‌های انقلابی برای تبدیل کمیسیون‌های کارگری به ارگان‌های حاکمیت کارگری در اسپانیا از طرف دیگر، بود.

حزب کمونیست اسپانیا/ PCE با به میان کشیدن جدایی مبارزات «اقتصادی و سیاسی» تلاش می‌کرد تا کمیسیون‌ها را به‌عنوان ارگان‌های مبارزه‌ی اقتصادی کارگران از

مبارزه‌ی سیاسی علیه فرانکو دور نگه دارد. به‌نظر این حزب، کمیسیون‌ها بایستی تحت فرمان حزبی که مشغول سیاست است قرار بگیرند. نتیجه‌ی منطقی چنین بحثی، تنزل کمیسیون‌ها به یک نوع سندیکالیزم جدیدی بود که از جانب این کمیسیون‌ها بایستی سازمان داده می‌شد. تلاش برای جایگزینی سازمان‌دهی مبارزات از جانب کارگران که در مجامع و با شرکت وسیع کارگران عملی می‌شد با تصمیمات از بالا (احزاب و سازمان‌های ظاهراً چپ) و دیکتای آن به کارگران به‌خصوص از طرف حزب کمونیست اسپانیا، کارگران را برای دفاع از دستاوردهای خود وادار می‌کرد، علاوه بر مبارزه علیه توطئه‌های رژیم فرانکو، علیه این حرکت هم به مبارزه و دفاع از دستاوردهای‌شان پردازند.

با مرگ فرانکو، امکان جدید فعالیت علنی برای حزب کمونیست اسپانیا فراهم شد. این حزب که بسیار پیش‌تر از این پس برده بود که امکان تأثیرگذاری از کانال سندیکای قدیمی وابسته به خود وجود ندارد، با تأثیرگذاری روی تعداد قابل توجهی از رهبران کمیسیون‌های کارگری عملاً این کمیسیون‌ها را از ۱۹۶۷ به بعد تبدیل به سندیکاها و وابسته به این حزب کرد. ۲

پی‌نوشت

۱. فالانژ کلمه‌ی یونانی بوده و در یونان قدیم نامی بود که به مؤثرترین بخش ارتش داده می‌شد. Falanje/ Espanola (فالانژ اسپانیایی) با استفاده از تجربیات نیروهای نازی در آلمان و سپاه‌پوشان موسولینی ایتالیا سازمان یافته شد.

۲. در کنفرانس مادرید کمیسیون‌های کارگری از شهرهای Vigo, Elferrol, La Coruna, Mieres, Pamplona, Zaragoza, Barcelona, Valensiya, Alicante, Sagunto, Alcoy, Madrid, Murcia, Malaga, Cordoba, Sevilla, Sevilla, Cadiz, Huelva, Guadalayara

شرکت کردند.

۳. برای نوشتن این مقاله به منابع زیر مراجعه شده است:

الف. Hans Werner Franz جنگ طبقات در اسپانیا، امروز منتشره ۱۹۷۶

ب. Walter I. Bernecker, Gewerkschaftsbewegung und staatsyndikalismus in Spanien 1958

ج. کارگران و جامعه شماره‌ی ۴ ترکیه ۴ Isciler ve Toplum/

د. جنبش کارگری اسپانیا و کمیسیون‌های کارگری یالچین گور Yalcin Gur-Isdadya isci hareketi ve

Comisiooes Oberas/

ه. جامعه و سیاست - ترکیه؛

و. «فرگس آگون». پایه‌های اساسی گذر به دموکراسی و مبارزات آنتی‌فاشیست در اسپانیا. نشریه‌ی ماهنامه‌ی یارین/ Tarin ترکیه.